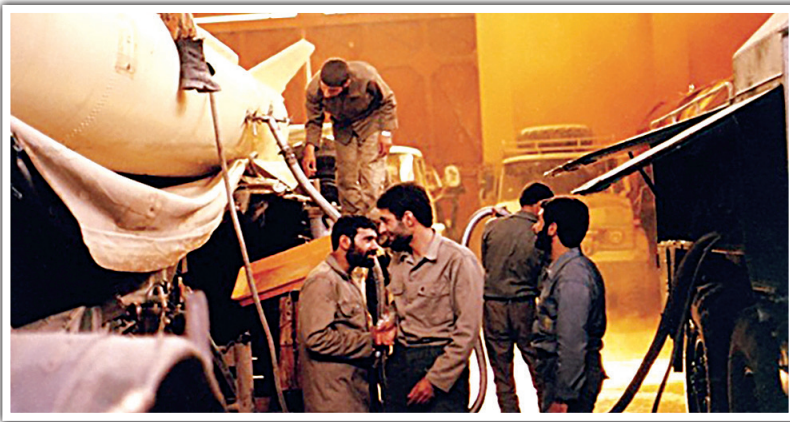


”

تجربیات مهم و یکتایی همچون موشکی و بسیاری از دستاوردها و نوآوریهای زمان جنگ، می‌تواند چیزی بیشتر از تاریخ و خاطره برای ما داشته باشد



را باید قدر دانست و به این نکته توجه کرد که بررسی دقیق و مستند تجربیات مهم و یکتایی همچون موشکی و بسیاری از دستاوردها و نوآوریهای زمان جنگ، می‌تواند چیزی بیشتر از تاریخ و خاطره برای ما داشته باشد که آن، رسیدن به الگوهای بومی و امتحان شده خودکفایی و پیشرفت است.

قطعاً همان‌گونه که در جنگ نابرابر ایران، بسیاری از روش‌های کلاسیک رویارویی جنگی به کار نیامد، در شرایط امروز جهان که «تحریم و تحدید» به مهم‌ترین سلاح به زانو درآوردن کشورهای مستقل تبدیل شده است، رونویسی از تجربیات و مسیرهای پیموده شده کشورهای همسایه و یا بسیاری از کشورهای به اصطلاح درحال توسعه، برای ما نتیجه‌بخش نخواهد بود. بنابراین باید با انتظارات بیشتر و پرسش‌هایی به مراتب جدی‌تر به سراغ ثبت چنین تجربیاتی رفت تا نتیجه یک عمر تلاش انسان‌های بلندنظر و بلندهمتی مانند شهید مقدم، فقط در دستاوردهای حوزه‌های تخصصی‌شان محصور نماند و با تکثیر در حوزه‌های گوناگون، مسیر پیشرفت آینده را کوتاه‌تر کند.

آخر اسفند بود که ایران توانست پاسخ حمله‌های ددمنشانه صدام به مناطق مسکونی را با شلیک موشک بدهد و آرزوی مردم داغداری که شعار «موشک جواب موشک» سر می‌دادند را برآورده کند. اما همکاری لیبیایی‌ها فقط یک سال دیگر دوام آورد؛ آنها توقع شلیک موشک به عربستان را داشتند و حتی گاهی به بهانه کیفیت «یخ و شیر» تدارکات، از پرتاب موشک‌ها شانه خالی می‌کردند. در نهایت هم با فشاری که عراق و آمریکا بر قذافی وارد کردند، تیم فنی پرتاب به بهانه خطای عملیاتی موشک و امکان مرگ غیرنظامیان، دست از کار کشیدند و آماده بازگشت به لیبی شدند و البته در حین پایان دادن به کمک‌های انقلابی «رهبر قذافی»، چون موشک‌ها را نمی‌توانستند بار بزنند و برگردانند، با خرابکاری و برداشتن قطعه‌های مهم تجهیزات پرتاب و برداشتن کلید حساس موشک‌ها، منت‌شان را بر ایران تمام کردند!

با توجه به همین شرایط سخت و عجیب است که وقتی در پایان کتاب، یگان موشکی ایران موفق می‌شود بدون کمک مستشاران خارجی، تجهیزات موشکی را تعمیر کند و پرتاب موشک موفق داشته باشد، برای خواننده به اندازه دستاوردهای بالاتر موشکی ایران در سال‌های بعدی، شیرین و غرورآفرین می‌شود. این جرأت شهید طهرانی‌مقدم در اعتماد به توانایی‌های خود و همکارانش و پذیرش ریسک پرتاب، با باز کردن موشک‌های اسکادبی و تلاش برای مهندسی معکوس آنها ادامه پیدا کرد؛ کاری که لیبیایی‌ها و سوری‌ها هیچ وقت اراده و جرأتش را پیدا نکردند. داستان قدرت موشکی شدن ایران، اگرچه از چنان ملاقاتی در صحرائی لیبی و چنین موفقیت‌های به ظاهر کوچکی شروع شده است، اما تا سال ۹۲ که رهبری، پاسخ رجزخوانی اسرائیلی‌ها را با تهدید جدی موشک‌باران حيفا و تل‌آویو می‌دهد و تا سال ۹۸ که چشمان جنگ‌طلب آمریکا در عین‌الاسد کور می‌شود، یک دنیا حرف و تجربه در دل خود دارد که بسیاری از آنها هنوز روایت نشده است.

برای امروزی که پر از ناامیدی نسبت به آینده و ناباوری نسبت به قدرت و توان پیشرفت‌های گذشته است، کتاب‌هایی همچون «خط مقدم»

”

آنها توقع شلیک موشک به عربستان را داشتند و حتی گاهی به بهانه کیفیت «یخ و شیر» تدارکات، از پرتاب موشک‌ها شانه خالی می‌کردند